

حمزه اولیازاده

بامقدمه‌ای از
استاد علی اکبر رشاد

سه گانه عشق



حمزه اولياءزاده

طراح گرافیک و جلد: شاپور حاتمى
ویرایش: کتابون رجبى راد
چاپ اول: ۱۳۹۳/ تهران
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۸۰۰۰ تومان

ISBN:978-600-6811-11-6

تهران: میدان امام حسین، خیابان صفای غربی، کوی
سلیمانی، کوی سلیمانی ۲، روی برون پست توکلی، پلاک ۱
تلفن: ۷۷۶۰۴۹۹۰ - ۳۳۲۵۰۵۷۴
فکس: ۳۳۷۹۰۳۲۴
تلفن همراه: ۰۹۱۲۵۰۷۷۴۱۱

همه جتنوی جواب و پسر برای ناشی معذرت است

سال: ۱۳۴۲ - اولیاءزاده، حمزه، ۱۳۴۲ -
محل تولد: تهران، موزه/ موزه حمزه اولیاء زاده،
تاریخ تولد: تهران، نسیم - ۱۳۹۱
تحصیل: تهران، نسیم - ۱۳۹۱
شایسته: تهران، نسیم - ۱۳۹۱
وضعیت: تهران، نسیم - ۱۳۹۱
مدرجات: تهران، نسیم - ۱۳۹۱
موضوع: تهران، نسیم - ۱۳۹۱
رده بندی کنگره: تهران، نسیم - ۱۳۹۱
رده بندی کنگره: تهران، نسیم - ۱۳۹۱
شماره کتابخانه: تهران، نسیم - ۱۳۹۱

www.nasimapub.ir
www.nasimapub.com
info@nasimapub.com
katayoon1@gmail.com

نشر نسیم

رَحِمَ اللّٰهُ عَمَّ الْعَبْدُ
شیفتگی و شغف در آغوش هم دارند، هرچند شیفتگی همه‌ی
شیعه‌گی نیست، که شورش و خردورزی، شهود و خداورزی نیز پاره‌های دیگر
شیعه‌گری‌اند؛ اما بابین عمه، در تشیع، شیعیان و شیفتگی دره‌سان پیروان به
ساحت اهل بیت آفتاب (س) جای ویژه‌ای دارد و آبشخور شور شیعه‌گی، عشق
به خاندان پیامبر خدا (ص) است.

آل‌الله (س)، عدل کلام‌الله‌اند و کلام حکیم و آنان هم‌زانوبیا وحی‌نامه‌ی
الهی قلمداد می‌شود؛ اهل بیت (س) تداوم کلام را می‌کنند؛ یادمان‌های
پیامبر (ص) در میان مردم، اهل بیت (س) همگی به‌عنوان عشق شیعه‌اند،
همگی‌شان هم محبوب خالقند هم معشوق خلاق.

اما در این میان عشق عباس (ع) حکایت دیگری است... عباس بنی‌سپاس
ترش‌روی، «به‌غایت عبوس»، «شیر خشمگین بیشه»، «شیری که شران را
او بگیرند»، «بی‌نهایت پرابهت».

اما در شیعه، عباس (ع) شیرین‌ترین ترش‌روی هستی‌ست؛ به‌شهادت می‌ماند؛

«احلی من العسل» است، مهربان‌ترین غضبناک جهان است؛ تجلی ابهت خداوندی و تظاهر سطوت سبحانی ست.

اگر خورشید بزرگ‌ترین و دلپذیرترین لبخند خدا در خاک است، در نزد شعله، عباس (ع) خورشیدی‌ترین خنده‌ی خداست؛ او قهقهه‌ی خدا در تنگی‌های بشریت است. عباس (ع)، نماد آشتی و انباشت عقل و عشق، خشم و وفا، عزم و اراده، و... است؛ آری او ابوالفضائل است؛ «پدر همه‌ی فضیلت‌ها».

اما بلندترین درجه‌ی دربار او گفته شده از حضرت صادق (ص) است. صادق آل‌محمد (روشنفشان بوده؛ کان عمّنا العباس بن علی، نافذ البصیره، صلب الایمان، جسد معنی عبدالله (ع) و ابلی بلاء حسنا و مضی شهیدا؛ عموی ما عباس بن علی (ع) نیز من زرف‌نگر و استوارایمان بود، در کنار حضرت ابی‌عبدالله (ع) چهار صوفی و پادشاه خونی پس داد و فرجام به شهادت برد.

در حکایت عباس (ع)، روایت مشک، بی‌نهایت دیگرش دارد، در ذهن و ضمیر شیعه، مشک، مشک نیست، اشک است؛ اشک، اشک نیست، اقیانوس است؛ قطره نیست، دریاست، اشک شیعه، پیرایه‌ی یک اشک دارد، اشک شیعه، مشک‌زاد است، اصلاً اشک شیعه، دیرینه‌اشک عباس است! اما حمزه، حمزه‌ی اولیایزاده، یکپارچه استعداد است. استعداد بی‌پایه و بیش از سینه دلی دارد از جنس آب، از تبار آینه؛ در کالبد، روحی دارد لطف و در درون، شوری دارد شگفت؛ در جان، عزمی دارد ستودنی؛ او آینده‌ای خواهد داشت تا بنایک، دلپذیر، بشکوه، گرم و مبارک، چون خورشید. اما در این وانفست [دنیا] بهترین گریزگاه و گره‌گشا، «توکل» به بارگاه باری و «توسل» به ساحت حضرات معصومین (ع) است.

در هر حال، حمزه‌ی عزیز را به «خردورزی» توأم با «شیدایی» و «محبت» آمیخته به اکسیر «معرفت» توصیه می‌دارم؛ گو این که از دیرباز گفته‌اند: عشق و عقل خصم خونی همندا! اما طفل حقیقت در مامگاه معارضت زاده می‌شود و عقل کامل، مادر عشق متعالی‌ست، آن چه با عشق در تعارض است، عقل نیست و آن چه زیر بار عقل نمی‌رود، هوس است.

عمور، قرائتی است از حکایت عباس (ع)، روایتی است از حدیث مشک، سقایتی است از سیمه‌ی اشک. در عمورا تراوده‌ها و تراوشات ذوق حمزه در زلال عشق و شیفانی‌اش به ساحت عباسی فرو چکیده و اثری بدیع، در قالبی تازه، خواندنی، بس دل‌بر و استه‌ تجربه‌سان برای همالان و همبالانش پدید آورده است. من به خال لعل این تجربه حمزه دست‌مریزاد و خلدپذیراد می‌گویم و برایش آینده‌ای چنانچه که در می‌رود، خورشیدی آرزو می‌کنم.

این کونه‌نوشته را با روایتی که نذر مشک و اشک عباس (ع) گفته‌ام، فرجام می‌بخشم:

بر غربت تو، علقمه خونبار گریست

لب تشنه فرات هم شرربار گریست

با تیر، نه آب ریخت بر خاک از مش

کز شرم تو، چشم مشک هم زار گریست

بر هر م حرم، یم از بصر افشاندی

خون‌لخته‌ی دل ز چشم تر افشاندی

مبهوت، جهان شد از تو هنگام وصال مشتاق، چنان تو دست و پا افشاندی

کمترین غلام عباس بن (ع)

علی اکبر رشاد